

است و این یکی از عواملی است که سبب می‌شود زنان میل به بارداری را از دست بدهند. اما اگر دولت وظیفه‌اش را انجام دهد و مرخصی‌زایمان هم‌بازه‌زمانی معقولی باشد که این‌توقع ومسئولیت را در همسر و خانواده زنان ایجاد نکند که آنها مسئول تمام‌قد مراقبت از فرزند هستند، میل به باروری در زنانی مثل من می‌تواند افزایش پیدا کند.» فاطمه بر این باور است تا زمانی که نگاه نهادهای سیاست‌گذار به مسئله مادری تغییر نکند، نمی‌توان امیدیی به تغییر نرخ باروری و اشتیاقی زنان به بارداری داشت: «من می‌خواهم این گفتمان که در سریال‌های صداوسیما می‌بینیم که تمام فرزندان زن شاغل معتاد و خلافکار شدند، شکسته شود و حق بودن در جامعه را به من بدهد. شکل مسئولیتی که به مادر در براره رشد فرزند می‌دهند با این استدلال که از شکم او بیرون آمده، باید تغییر کند. تجربه من نشان داده، هر نقشی قبول کردم فقط به‌مسئولیت‌هایم اضافه‌شده و باری از دوشم برای قبول کردن نقشی برداشته نشده است. من علاوه بر شاغل‌بودن زمانی که ازدواج می‌کنم، خانه‌دار هم می‌شوم و اگر مادر شوم، علاوه بر تمام نقش‌های قبلی باید مسئولیت‌های فرزندم را هم بپذیرم. درحالی‌که می‌توانند با برخی کمک‌ها مسئولیت‌های خانه‌داری را برای زنان کاهش دهند تا مسئولیت‌های نقش مادری را بتوانند با خیال راحت‌تری ایفا کند. مسئله این است که در تمام این نقش‌ها زن تنه‌است. نگاه جامعه این است و از سوی سیاست‌گذاران تسری پیدا می‌کند.» ناامنی اجتماعی هم مسئله دیگری است: «در کشوری که با بحران‌های متعدد محیط‌زیستی مانند بحران آب مواجه است، با وجود علاقه به مادر شدن اما می‌ترسم روزی برسد که فرزندم تشنه بماند یا با همان چالش‌هایی که من برای مهاجرت روبه‌رو بودم، روبه‌رو شود. من نمی‌خواهم رنج انتخاب بین ماندن و رفتن را به فرزندم بدهم، زیرا زندگی در جایی که در آن متولد شده، با پیچیدگی‌های زیادی روبه‌روست.»



محمود مشفق جمعیت‌شناس: گروه‌هایی که در سن باروری قرار دارند، یعنی متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به‌مرور از بازه سنی باروری خارج می‌شوند. در کنار آن، نسل‌هایی که جایگزین آنها می‌شوند، تعداد کمتری دارند، بنابراین تعداد بچه‌های کمتری هم خواهند داشت. عامل دیگری که می‌تواند موثر باشد، بحث میل به مهاجرت و آمار مهاجرت، به‌خصوص به خارج از کشور است

▼ این مسکن موقتی است

محمود مشفق، جمعیت‌شناس هم هدف قانون جوانی جمعیت را افزایش میزان باروری تارسیدن به عدد ۲/۱ می‌داند و به «هم‌میهن» می‌گوید: «براساس برآوردهایی که تا الان صورت گرفته، در حال حاضر نرخ باروری کل در خوشبینانه‌ترین حالت حدود ۱/۶ به‌ازای هر مادر است.» او گشتاور جمعیتی ایران را یکی از موثرترین عوامل در این مسئله بیان می‌کند: «گروه‌هایی که در سن باروری قرار دارند، یعنی متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به‌مرور از بازه سنی باروری خارج می‌شوند و دیگر در بازه سنی فرزندآوری نیستند. در کنار آن، نسل‌هایی که جایگزین آنها می‌شوند، تعداد کمتری دارند، بنابراین تعداد بچه‌های کمتری هم خواهند داشت. عامل دیگری که می‌تواند موثر باشد، بحث میل به مهاجرت و آمار مهاجرت، به‌خصوص به خارج از کشور است. آنها عموماً کسانی‌اند که در سن جوانی، ازدواج و فرزندآوری قرار دارند و خروج آنها جمعیت بالقوه فرزندآوری را کم می‌کند.»

او ا نبود یک تحلیل جامع درباره اثربخشی سیاست‌های جمعیتی هم اینطور می‌گوید: «سیاست‌های جمعیتی می‌تواند روی کنش جمعیتی افراد، ازدواج و باروری آنها تاثیر داشته باشد. حمایت‌های دولتی باید احساس امنیت اقتصادی و روانی را در بین جوانان افزایش دهد. استفاده از مشوق‌ها مثل یک مسکن موقتی است و این یعنی به آن عامل اصلی نپرداخته‌ایم. این مشوق‌ها شاید مشکل را به‌صورت موقتی حل کنند اما درنهایت اگر مشکلات اصلی مانند ناامنی اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی مناسب و درآمد متناسب با هزینه‌های زندگی را تأمین نکنیم، کارایی لازم را نخواهند داشت.» مشفق بر این باور است اگر همین روند ادامه پیدا کند و تغییری در آن ایجاد نشود، در آینده با دو شرایط متفاوت روبه‌رو می‌شویم: «در حالت اول اگر مشکلات اساسی مانند بیکاری، تورم و... را در کشور حل کنیم، زمینه‌های استفاده از پنجره جمعیتی فراهم می‌شود و می‌تواند شرایط را برای بهبود باروری و ثبات خانواده ایجاد کند. اما اگر به‌سمت ناامنی اقتصادی و افزایش بیکاری برویم، آن شرایط تورمی و بیکاری مسئله کاهش باروری را تشدید می‌کند و از طرف دیگر شدت و سرعت سالخوردگی جمعیت افزایش پیدا می‌کند؛ به همین دلیل دولت باید دنبال راهکارهای اثرگذار با دوام باشد، نه مشوق‌های کوتاه‌مدت.»

ثمر، زن جوان دیگری است که تمایل به فرزندآوری دارد اما به گفته خودش نمی‌تواند مسئولیت این انتخاب را بپذیرد: «یک مجموعه دلایل سبب شد تصمیم من، چهدار نشدن باشد. زندگی کردن در کشوری که تورم به شکل افسارگریخته‌ای وجود دارد، اقتصاد در بی‌ثباتی است و گرانی بیداد می‌کند و در یک سال اخیر سایه جنگ هم بالای سرمان است، مسئولیت بزرگی است که بخواهم فرزندی داشته‌باشم و من هنوز نتوانسته‌ام با این موضوع کنار بیایم.» او تبعیض‌ها و نبود حقوق شهروندی را دیگر عامل این تصمیم می‌داند: «من در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که به‌عنوان یک زن باید برای ابتدایی‌ترین آزادی‌ها و حقوق شهروندی جنگیم. مادر یک جامعه با ساختار طبقاتی، قومیتی، مذهبی و حتی جنسیتی ناعادلانه زندگی می‌کنیم و من باید انتخاب کنم فردی را به دنیا بیاورم که ممکن است به‌دلیل همین ناعادالتی‌ها روزی از من بپرسد چطور زمانی که خودم با تمام این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها به‌شکل روزانه مواجه بودم، تصمیم گرفتم او را به دنیا آورم که چنین ناامنی‌هایی را تجربه کند؟» او موافق تفکر قطع کردن چرخه زندگی نیست و معتقد است زندگی با وجود تمام نابرابری‌ها، لذت‌هایی دارد که به تجربه کردنش می‌رزد: «اما نمی‌توانم این مسئولیت را قبول کنم که به فرزندم پیام‌مردوغو و ریاکار باشد. در خانه آموزش‌هایی متفاوت از مدرسه ببیند و تجربه دוגانه‌ای از زیستن را تجربه کند و مجبور باشد در مدرسه درباره آنچه در خانه تجربه می‌کند، دروغ بگوید.» ثمر با انتقاد از سیستم آموزش‌وپرورش فعلی می‌گوید: «حتی اگر امکانات مالی افراد اجازه بدهد و بتوانند فرزندشان

را به مدارس مشارکتی بفرستند که نوع آموزش در آنها متفاوت از آموزش رسمی و نزدیک‌تر به زیست اجتماعی ماست، باز هم کودک از آسیب در امان نیست، زیرا این نوع از آموزش هم او را از بخش بزرگی از جامعه‌اش جدا می‌کند و سبب می‌شود با بحران متفاوت بودن در تمام طول زندگی‌اش مواجه بشود.» خشونت در شکل‌های متفاوت آن، مسئله بعدی است که از سوی او مورد توجه قرار می‌گیرد: «من نمی‌خواهم فرزندم جلوی چشم‌مانش تجربه کشته‌شدن یا دستگیری افراد دیگری را داشته باشد و همه اینها مواردی است که در جامعه ما رخ داده است. من نمی‌خواهم فرزندم تجربه توقیف ماشین به‌دلیل انتخاب نوع پوشش‌اش را داشته باشد. بسیاری از مشکلات اجتماعی که سبب پایین آمدن سن اعتیاد و رایج شدن الگوهای ناسالم برای نوجوانان شده، کاملاً نادیده گرفته می‌شوند. نمونه اخیر آن، لایحه منع خشونت علیه زنان است که پس از سال‌ها همچنان بی‌نتیجه مانده است.» به گفته او انیمی از جمعیت یک کشور برای تأمین امنیت‌شان بازپچه دست دولتمردان شدند: «من ممکن است بتوانم در خانه و خانواده‌ام از چنین مسائلی پیشگیری کنم اما تا زمانی که قانون برای مراقبت وجود نداشته باشد، نمی‌توان جامعه‌را از آسیب دور نگه داشت. نمی‌توان بدون قانون، فردی که خشونت می‌کند را محدود یا کنترل کرد. در شرایط فعلی کسانی که خشونت می‌ورزند گاهی تشویق هم می‌شوند. من در چنین جامعه‌ای چطور می‌توانم از فرزندم محافظت کنم و مطمئن باشم که او در معرض خشونت قرار نمی‌گیرد یا خودش تبدیل به یکی از خشونت‌ورزان نمی‌شود؟» موضوعات مرتبط با منع خشونت در نظام آموزش رسمی کشور جایگاهی ندارند و همه این موارد، موضوعاتی است که سبب شده زنانی مانند ثمر، توان روانی مادر شدن را نداشته باشند.

سیاست‌های افزایش نرخ باروری اقدامات مربوط به سقط جنین و عقیم‌سازی مانند واکژنومی و توبکتومی در مراکز دولتی و هر گونه تبلیغات درباره تحدید موالید و کاهش فرزندآوری را ممنوع کرده و افراد متخلف را مشمول مجازات‌های تهریری حبس می‌داند. همین مسئله یکی از انتقادات ثمر به طرح «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» است: «من به‌عنوان یک زن می‌خواهم حق تصمیم‌گیری درباره بدن خودم را داشته باشم، با وجود اینکه من تجربه مادر شدن را برای خودم می‌پسندم اما دوست ندارم این تجربه از سوی حاکمیت به من تحمیل شود. در حال حاضر اگر زنی آزمایش خون دهد و تست بارداری او ثبت شده باشد، از سوی سیستم پیگیری می‌شود. غربالگری طبقاتی شده و تنها یک قشر خاص می‌توانند

به آن دسترسی داشته باشند، در حالی که حتی من که مایل به فرزند داشتنم، می‌خواهم بدانم فرزندگی که به دنیا می‌آورم سالم است یا نه و این تنها با غربالگری امکان‌پذیر است. اما با اجرای چنین سیاست‌هایی همه این حقوق از دسترس مردم خارج شده است، او با اشاره به غیرقانونی شدن سقط براساس این طرح می‌گوید: «غیرقانونی شدن سقط باعث آسیب بیشتر به زنان می‌شود. یک زن بر اثر سقط غیرقانونی می‌تواند برای همیشه امکان مادر شدن را از دست دهد، درحالی‌که شاید این انتخاب او برای همه زندگی‌اش نباشد. بدون شک تبعات سلامتی سقط در بیمارستان و سقط در شرایط غیرقانونی بسیار متفاوت است. همه این موارد نشان می‌دهد که حق تصمیم‌گیری درباره بدن زنان از آنها گرفته شده و به بهانه مراقبت از آنها به جای آنها تصمیم می‌گیرند.» از سوی دیگر، تشویق به فرزندآوری در شرایطی اتفاق می‌افتد که تأمین نیازهای اولیه کودک مانند شیر خشک یا بحران روبه‌روست: «من شخصی را می‌شناسم که برای تأمین نوع خاصی از شیر خشک برای فرزندش مجبور بود از برورچه به اراک برود. تشویق به فرزندآوری تنها نمی‌تواند در کلام رخ دهد، زیرساخت‌های آن باید تأمین شود تا خانواده با احساس امنیت و علاقه تصمیم به فرزندآوری بگیرد.»

او معتقد است، مسئله دیگر قوانین ضد زن و نگاه نابرابر حاکم بر این قوانین است که سبب می‌شود، میل زنان به فرزندآوری کاهش پیدا کند: «کودکان در نابرابری متولد می‌شوند و مادرائی را می‌بینند که تحت خشونت‌های مختلف قرار دارند و توان حل کردن مشکلات خودشان را ندارند، چه رسد به کودکان‌شان. مادران براساس قوانین فعلی گاهی حق گرفتن کارنامه فرزندان‌شان را هم ندارند. زنی که ۹ ماه فرزندش را به شکم کشیده، سختی‌های زایمان را به جان خریده، حالا حتی نمی‌تواند کارنامه همان بچه را از مدرسه تحویل بگیرد. این نابرابری‌های قانونی است که تصمیم‌گیری را سخت می‌کند.» درنهایت او نبود ثبات اقتصادی را یکی از مهم‌ترین عوامل می‌داند و می‌گوید: «امنیت اقتصادی سبب می‌شود که یک خانواده اروپایی تصمیم به داشتن سه، چهار یا پنج فرزند بگیرد. در دیگر کشورها آموزش و خدمات درمانی رایگان وجود دارد. تعداد پارک‌ها و فضای سبز زیاد است. بچه‌ها فضای بازی و تفریح دارند و می‌توانند انرژی‌شان را در محیط خارج از خانه تخلیه کنند. در کشور ما روزهای زیادی از سال تنها به‌دلیل آلودگی هوا، امکان بیرون بردن کودکان وجود ندارد. در کنار این، ناامنی اجتماعی راهم نمی‌توان نادیده گرفت. مجموع این عوامل نشان می‌دهد که برای تشویق مردم باید ساختار‌ها از نو ساخته شوند و راهی جز این وجود ندارد.»

خبرسازان



واکنش معاون رئیس جمهور به پیامک‌های حجاب

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده‌و به پیامک‌های ارسالی تذکر حجاب از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران، واکنش نشان داد. به گزارش ایلنا، زهرابهرزآرد در خصوص ارسال پیامک‌های تذکر حجاب به دختران توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر گفت: «مادر حال حاضر در پی آن هستیم تا بدینم دقیقاً کدام نهاد این کار را انجام می‌دهد و من هنوز پاسخی ندارم. دنبال این هستیم که مشخص شود مبدأ این پیامک‌ها کجاست، با چه هدفی ارسال می‌شوند و ذیل کدام قانون است، چون هنوز این اطلاعات دقیق جمع‌آوری نشده، من نمی‌توانم گزارش دهم. اما یک نکته‌ای را می‌توانم به شما بگویم: من در جلسات مختلفی که در این ۹ ماه شرکت کردم و تقریباً می‌توانم به جرأت بگویم که در هیچ کدام از نهادهای مسئول نگاهی وجود ندارد که بخواهد کرامت زنان را حفظ کند یا دنبال ایجاد تنش باشد، یا دنبال دوقطبی‌سازی باشد.» او اضافه کرد که تقریباً همه مجموعه مسئولان و کسانی که دغدغه‌مند این حوزه هستند، قائل به این هستند که باید با رعایت این ملاک‌ها، فرهنگ‌سازی کرد.

ادامه سر مقاله

نتیجه این رویکرد قانون فرزندآوری شد که جز بار مالی بی‌هوده و ائتلاف منابع دستاورد چندانی نداشت؛ و نه تنها موجب هیچ افزایشی در تعداد موالید نشد، سهل است که کاهش آن را شاهدیم. کافی است که تعداد موالید را در سال‌های اخیر مقایسه کنیم.

سال	تعداد موالید (هزارنوزاد)	تعداد کاهش نسبت به سال پیش (هزارنوزاد)
۱۳۹۶	۱۴۸۸	۴۵
۱۳۹۷	۱۳۶۷	۱۲۱
۱۳۹۸	۱۱۹۶	۱۷۱
۱۳۹۹	۱۱۱۴	۸۲
۱۴۰۵	۱۱۵۶	۸
۱۴۵۱	۱۵۷۵	۳۱
۱۴۵۲	۱۵۵۸	۱۷
۱۴۵۳	۹۷۹	۷۹

خوب به این آمار نگاه کنید. بیش‌ترین کاهش پیش از اجرای این قانون مربوط به سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ است. علت آن منفی شدن نگاه مردم به آینده است که در این دو سال ناامیدکننده بود. ولی از سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به مرور تعدیل شد و در آخرین سال دولت روحانی به کاهش ۸ هزار نفری رسید. قانون جوانی جمعیت نیز دقیقاً از همین سال آغاز شد ولی به جای افزایش زاد و ولد، هر سال با کاهش بیش‌تری در زاد و ولد مواجه شده‌ایم که در پایان سال ۱۴۰۳، به ۷۹ هزار نفر نسبت به سال ۱۴۰۲ رسیده است. این قانون نه راه‌حل که عین مسئله است. البته نکات مثبتی هم دارد ولی سرجمع اثرگذاری آن منفی است، زیرا مطلقاً به علل واقعی کاهش فرزندآوری نپرداخته است و سال گذشته نیز بیش‌ترین کاهش را در زاد و ولد شاهد بوده‌ایم. بدون تردید اگر امید به آینده بهبود یابد، روند مذکور تعدیل یا حتی معکوس خواهد شد. مسئله مهم‌تر این است که این قانون به جای آنکه فرزندآوری را در زایمان‌های اول و دوم زیاد کند، فرزندآوری‌های چهارم و پنجم را اندکی بیش‌تر کرده و متأسفانه همین را به عنوان دستاورد خود تلقی کرده‌اند که این در واقع زیان است. اهداف این قانون رسیدن به نرخ باروری بالا با هدف تحقق نرخ جانشینی ۲/۱ فرزند است. گرچه برای قوانین مشابه باید زمان داد تا به هدف برسد، ولی به شرطی که تا همین جایک گام به جلو برداشته نباشد، درحالی‌که نتیجه این قانون عقب‌گرد کامل است. با توجه به اینکه در دولت جدید خانم دکتر دستجردی به عنوان فرد شایسته و کاردانی دبیر ستاد فرزندآوری شده است، انتظار می‌رود که در اولین گام تحلیلی علمی از چرایی کاهش فرزندآوری ارائه نمایند و در گام بعدی مواد هزینه‌زا و حتی غیرعلمی و با رویکرد ضدتوسعه را از قانون موجود حذف نمایند و سیاست فرزندآوری را در مسیر درست قرار دهند.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت پالایش گاز ایلام در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید.



شماره مناقصه: ۱۴۰۴/۵۱۲

موضوع مناقصه: خرید، نصب و راه‌اندازی تجهیزات سیستم اعلان حریق نیروگاه و مخازن
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه): به میزان: ۸.۲۵۹.۵۵۵.۰۵۵ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه): ضمانتنامه بانکی
آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد توسط مناقصه گران: ۱۴۰۴/۵۲/۲۵
آخرین مهلت درج اسناد در سامانه ستاد توسط مناقصه گران: ۱۴۰۴/۵۳/۵۵
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی کیفی و گشایش پاکات الف: ۱۴۰۴/۵۳/۵۶
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی فنی: ۱۴۰۴/۵۳/۱۳
تاریخ گشایش پاکات مالی "ج": ۱۴۰۴/۵۳/۲۵
آدرس دریافت اسناد الکترونیک: www.setadiran.ir
آدرس پستی مناقصه گزاری: ایلام / شهرستان چوار / صندوق پستی ۶۹۳۶۱-۱۴۴
شماره تلفن ۲۵۷۷ و ۸۱۴-۳۲۹۱۲۸۵۵ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات)

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۵۷۷ و ۸۱۴-۳۲۹۱۲۸۵۵ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات) تماس حاصل فرمایند.

شناسه آگهی: ۱۹۳۳۵۷۴

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شماره ۱۴۰۴/۲ پست بانک



پست بانک ایران

خرید، پیاده سازی و استقرار سامانه (نرم افزار) حسابرسی

پست بانک ایران در نظر دارد مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۱۴۰۴/۲ با رابطه با خرید، پیاده سازی و استقرار سامانه (نرم افزار) حسابرسی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت با شماره فراخوان ۲۵۰۴۰۵۵۱۴۹۰۵۵۵۵۲ برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۵۲/۵۹ می باشد.**
- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا ساعت ۱۶:۰۵ روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۵۲/۱۸**
- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۵ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۵۲/۳۵**
- زمان بازگشایی پاکت‌های ((الف و ب)): ساعت ۵۹:۰۵ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۵۲/۳۱**
- یادآوری ۱: اصل تضمین (پاکت "الف") می‌بایستی حداکثر تا ساعت ۱۶:۰۵ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۵۲/۳۵ تحویل دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در آدرس ذیل گردد.**

جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و تحویل پاکت الف به آدرس خیابان قائم مقام فراهانی، بالاتر از تقاطع شهید مطهری، کوچه عرفان، پلاک ۱، طبقه سوم، دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه یا با تلفن: ۸۱۵۶۳۵۶۱ تماس حاصل فرمائید.

م الف: ۴۱۸ شناسه آگهی: ۱۹۲۴۴۵۳